

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب المثل‌های گویش ترکی قشقایی

محمد هادی فلاحي*

راضیه امیری**

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا استعاره‌های متداول در ضرب المثل‌های گویش ترکی قشقایی را در چارچوب معنی‌شناسی شناختی و بر اساس الگوی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین (۲۰۰۶) مورد بررسی قرار دهد تا شیوه مفهومی‌سازی گویشوران را از تجارب گوناگون در گذر زمان بیان نماید. طرح‌واره‌های تصویری زمینه‌ساز ارتباط میان تجارب فیزیکی انسان و حوزه‌های شناختی به مراتب پیچیده‌تر همانند زبان هستند. روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی-استقرایی بوده و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی صورت پذیرفته است. از میان ۸۰۰ ضرب المثل گردآوری شده تعداد ۲۷۶ مورد دارای طرح‌واره تصویری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که انواع کلی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین (۲۰۰۶) از جمله طرح‌واره‌های فضا، مهارشدگی، جابه‌جایی (حرکت)، نیرو، توازن، هم‌سانی و موجودیت در ضرب المثل‌های گویش ترکی قشقایی یافت می‌شود. طرح‌واره مهارشدگی و پس از آن طرح‌واره حرکتی، بیشترین میزان کاربرد و طرح‌واره تعادلی، کمترین میزان کاربرد را در میان ضرب المثل‌های گویش ترکی قشقایی دارد.

* استادیار گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فن‌آوری، شیراز (نویسنده مسئول)،
fallahi@ricest.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، شیراز، a.amiri3798@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره‌تصوری، استعاره، ضرب‌المثل، گویش ترکی قشقایی

۱. مقدمه

از جمله نگرش‌های نسبتاً نوین در زبان‌شناسی، نگرش شناختی است که در آن زبان بازتاب دهنده‌الگوی اندیشه و ویژگی‌های ذهنی انسان است (کرافت (Craft) و کروزر (Cruse)، ۲۰۰۴). لوبنر (Loebner) (۲۰۰۲: ۱۷۱) این علم را شامل شیوه‌کارکرد ذهن، چگونگی دریافت اطلاعات از محیط توسط حواس و نحوه‌پردازش آن‌ها، تشخیص آنچه ادراک شده و مقایسه آن با داده‌های پیشین ذهن و طبقه‌بندی و ذخیره این داده‌ها در ذهن می‌داند. در واقع «زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که به زبان به عنوان وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌نگرد. در این رویکرد، زبان نمودی از نظام تصور ذهنی است» (گیرتس، ۱۹۹۵).

معنی‌شناسی شناختی از جمله شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی است. این گرایش برای نخستین بار از سوی لیکاف (Lakoff) (۱۹۸۷) معرفی شد. به دلیل اهمیت معنا در زبان-شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (لانگاکر (Langaker)، ۲۰۰۸، ب: ۶۷). در این رویکرد ساختار اصلی زبان، بازتابی از شناخت است و تحلیل زبان با تمرکز بر معنا ممکن است. معنی‌شناسی شناختی به بررسی رابطه تجربه، نظام مفهومی و ساختار معنایی معین شده توسط زبان، می‌پردازد (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۲۲). بر پایه این رویکرد، تصور و ادراک انسان، برگرفته از تجربیات جسمانی اوست که زمینه تفکر و تعقل را فراهم می‌آورد. مطابق این رویکرد، ساختارهای تصویری انسان، در قالب طرح‌واره تصویری (image schema) و استعاره (metaphor) قابل بررسی است. در واقع طرح‌واره‌های تصویری از ساخت‌های مهم در پژوهش‌های معنی‌شناسی شناختی به شمار می‌روند که به عقیده جانسون (۱۹۹۸) سطح اولیه تری از ساخت شناختی زیربنای استعاره را تشکیل می‌دهند و امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی انسان را با حوزه‌های شناختی پیچیده تری مانند زبان را فراهم می‌کنند. به بیانی دیگر معنا‌شناسان شناختی به واسطه طرح‌واره‌های تصویری شکل‌گیری معنا را در ذهن مورد بررسی قرار می‌دهند. (گندمکار، ۱۳۹۰: ۱۱۶). در این پژوهش در چارچوب زبان‌شناسی شناختی، ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی، در قالب طرح‌واره‌های تصویری، بررسی می‌شوند.

۲. طرح‌واره‌های تصویری

نظریه طرح‌واره‌های تصویری از جمله نظریات بنیادی است که ابتدا در معنا شناسی شناختی مطرح و پس از آن در علوم شناختی دیگر نظیر روان شناسی شناختی نیز مورد توجه قرار گرفت. مفهوم طرح‌واره تصویری با شناخت جسمی شده مرتبط است. نخستین بار لیکاف و جانسون پرسشی را بر مبنای اینکه پیچیدگی نظام مفهومی ما از کجا ناشی می‌شود مطرح نمودند و پاسخ این بود که این گونه پیچیدگی از ارتباط میان ویژگی‌های جسمی ما و انواع مفاهیمی که قادر به ساختن آن هستیم حاصل می‌شود. به بیانی دیگر تجربه جسمی شده ما پایه و اساس ساختن مفاهیم می‌باشد. راسخ مهند (۱۳۹۶: ۴۵). از سوی دیگر بارلت (Bartlett) (۱۹۳۲)، روان‌شناس انگلیسی و از پیروان روان‌شناسی گشتالت به عنوان نخستین فردی که مفهوم طرح‌واره را برای نخستین بار مطرح نموده معتقد است که یک طرح‌واره مشتمل بر سازمان فعال تجربیات گذشته است. وی طرح‌واره‌های تصویری را به عنوان طرح‌های ذهنی کلیشه‌ای یا سناریوی موقعیت‌ها و رخدادها توصیف می‌کند که از تجربیات متعدد رخدادهای مشابه حاصل شده است (کیو (Qiu) و هوانگ (Huang)، ۲۰۱۲: ۲۴۳). با در نظر گرفتن این توصیف‌ها، مارک جانسون (Mark Johnson)، طرح‌واره‌های تصویری و کاربرد آن را در زبان مورد بررسی قرار داد. وی طرح‌واره تصویری را به عنوان یک نظریه در کتاب *بدن در ذهن* در سال ۱۹۸۷ مطرح کرد. وی طرح‌واره تصویری را بازنمایی مفهومی انتزاعی می‌داند که مستقیماً از تعامل روزانه ما با جهان خارج ناشی می‌شوند (جانسون، Johnson) ۱۹۸۷: ۲؛ فوکس (Fuchs)، ۲۰۰۷: ۵؛ ایوانیز (Ibáñez)، ۲۰۰۸: ۱۲۴ و لیتلمور (Littlemore)، ۲۰۰۹: ۸۳). پس از وی دانشمندان بسیاری به معرفی و تبیین نظریات خود و ارائه انواع متعددی از این طرح‌واره‌ها در قالب معنی‌شناسی شناختی پرداختند. ایوانز (Evans) و گرین (Green) از جمله این اندیشمندان بودند که در سال ۲۰۰۶ در کتاب خود با عنوان *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی*، به معرفی معنی‌شناسی شناختی و اصول شناختی پرداختند و فهرستی از طرح‌واره‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها را معرفی و تبیین نمودند. از دیدگاه حاجی نصرالله (۱۳۸۱: ۲۳) طرح‌واره، بازنمایی عناصر اصلی موجود در یک رخداد و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. گویا و حسام به نقل از سیف (۱۳۷۹)، طرح‌واره را ساختار انتزاعی نشانگر اطلاعات ذخیره شده در حافظه، معرفی می‌کنند. آن‌ها معتقدند طرح‌واره، انتزاعی است زیرا اطلاعات مرتبط به هر چیزی را خلاصه می‌کند و ساختار است زیرا نشانگر چگونگی ارتباط اجزای اطلاعاتی است (گویا و حسام، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

تاکنون تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از طرح‌واره‌های تصویری از جانب پژوهشگران علوم شناختی انجام شده است. جانسون (۱۹۸۷) طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی و قدرتی را ارائه نموده است. ترنر (Turner) نیز طرح‌واره‌های حرکتی، حجمی، تقارن، توازن و طرح‌واره نیرو-پویایی را مطرح کرده است (ترنر (Turner)، ۱۹۹۶: ۲۷-۳۰). ایوانز و گرین با گسترش دسته‌بندی سه‌گانه جانسون، تقسیم‌بندی دقیق‌تری را ارائه نموده‌اند که عبارتند از:

۱. طرح‌واره فضایی (Spatial Schema): بالا-پایین، جلو-عقب، چپ-راست، نزدیک-دور، مرکزی-پیرامونی

۲. طرح‌واره مهارشدگی (Control Schema): حجم (ظرف)، درون-بیرون، سطح، پر-

خالی

۳. طرح‌واره جابه‌جایی یا حرکتی (Locomotion Schema): مقدار حرکت، مبدأ-مسیر-

مقصد

۴. طرح‌واره تعادل (Balance Schema): تعادل محوری، تعادل دو کفه ترازویی، موازنه،

تعادل نقطه محور

۵. طرح‌واره قدرت (Force Schema): اجبار، سد، نیروی متقابل، انحراف جهت، رفع

مانع، توانایی، جذب

۶. طرح‌واره پیوستگی (Unity Schema): ممزوج شدن، مجموعه، جزء-کل

۷. طرح‌واره این‌همانی (Consistency Schema): نگهداری، واقع شدن بر روی شیء

۸. طرح‌واره موجودیت (Existence Schema): چرخه، فضای کراندار (Bounded Space)،

فرآیند، شیء (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶: ۱۹۰).

پژوهش حاضر بر مبنای دسته‌بندی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) صورت پذیرفته است.

۳. ضرب‌المثل

در میان فارسی‌زبانان به مثل، داستان یا به تخفیف، داستان گفته می‌شود و در لغت به معنای برهان، حدیث، آیه و عبرت است و در اصطلاح جمله‌ای است مختصر که شامل تشبیه با مضمونی حکیمانه بوده و به دلایلی از جمله معنای صریح، روانی الفاظ و لطافت ترکیب در میان عموم مردم مشهور شده است. ضرب‌المثل‌ها در غنای زبان و فرهنگ یک قوم و همچنین حفظ وازگان آن زبان تأثیر به‌سزایی دارند. بهمن‌یار (۱۳۶۹). به عقیده ذوالفقاری

(۱۳۸۶:۳۷) «ضرب‌المثل‌ها که به‌صورت سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و بر غنای آن‌ها افزوده می‌شود، نشان خردمندی، ذوق و ذائقه هر ملت‌اند، از این رو گستره و کمیت مثل‌ها در هر ملتی با میزان دانایی و خردمندی آن‌ها بستگی مستقیم دارد». از دیدگاه گری (Gary) (۱۳۸۲:۲۶۳) ضرب‌المثل عبارتست از گفتار عامیانه کوتاه که نماینگر واقعیتی عام بوده و گاه به زبان استعاری بیان می‌شود، مانند «سنگ غلتان بی‌آرایش است». دهخدا نیز ضرب‌المثل را چنین تعریف کرده است: «ضرب‌المثل عبارت است از ذکر چیزی تا ظاهر شود اثر آن در غیر آن چیز؛ در ضرب‌المثل تا مشابهت در بین نباشد مثل صورت نگیرد و برای آن، ضرب‌المثل نامیده شد که شیء محل زدن واقع گردید، یعنی چیزی که در آغاز امر بیان شده در ثانی مورد ضرب‌المثل واقع گردیده، سپس در باب استعاره برای هر حالت یا افسانه‌ای یا صفتی جالب نظر که شگفتی در آن نیز باشد، استعمال گردد» (دهخدا، ۱۳۳۰: ۳۸-۳۷). در فرهنگ (آکسفورد (Oxford)، ۲۰۱۲) نیز ضرب‌المثل‌ها به صورت جملات استعاری کوتاهی تعریف شده‌اند که در بردارنده پندها، نکات و گفته‌های اخلاقی هستند و ریشه در فرهنگ و ادبیات یک ملت دارند و به دلیل استفاده مکرر در میان سخنگویان یک زبان، به لحاظ فرهنگی ریشه‌دار هستند.

ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی نیز از گذشته‌های دور تا کنون به صورت سینه به سینه حفظ شده و به نسل‌های بعدی انتقال یافته‌اند و نمایانگر هنجارها، بینش‌ها و فرهنگ مردم این ایل هستند.

۴. قوم ترک زبان قشقایی

ایران کشوری است پهناور که اقوام و نژادهای مختلف، با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون را در خود جای داده است. از جمله این اقوام، ایل قشقایی است. که از دیدگاه ابرلینگ (Oberling)، (۲۰۰۳)، همانند بسیاری از اتحادیه‌های ایلی متأخر ایران ترکیبی از قبیله‌هایی با ریشه‌های قومی مختلف مانند ترک، لر، کرد و عرب است، اما بیشتر قشقایی‌ها ریشه‌ای ترک دارند و تقریباً اکثریت آن‌ها به گویشی از زبان‌های ترکی اغوز غربی تکلم می‌کنند که خود آن را ترکی می‌نامند در مورد ریشه نام قشقایی تردید‌های فراوانی وجود دارد. قابل‌قبول‌ترین نظر در باره ریشه نام قشقایی نظری است که نخستین بار واسیلی بارتولد ((Bartold) آن را مطرح نموده است. به عقیده وی، نام قشقایی برگرفته از واژه ترکی قشقا به معنی «اسب پیشانی سفید» است. نظر دیگری نیز نخستین بار توسط حسن

فسایی در فارسنامه ناصری مطرح گردیده است. به عقیده فسایی نام قشقایی از واژه ترکی قاشماق به معنی «فراری» گرفته شده است. کیانی به نقل از مرسدن (Marsden) درباره ریشه قشقایی چنین بیان می‌کند: «نام قشقایی از فامیل شخصی به نام جانی آقا، از صاحب منصبان شاه عباس، گرفته شده که وی از جانب شاه عباس به حکومت قبایل فارس مأمور می‌شود.» (کیانی، ۱۳۷۶: ۴۹) ابرلینگ (Oberling) (۲۰۰۳)، در باره تاریخچه قشقایی می‌نویسد: قشقایی‌ها عموماً معتقدند که نیاکانشان با سمت قراولان لشکرهلاکو خان و تیمور از ترکستان به ایران آمده‌اند. در حالی که ورودشان به ایران در اثنای مهاجرت‌های بزرگ قبیله‌ای قرن یازدهم میلادی احتمال بیشتری دارد. همه آن‌ها درباره اقامت قشقایی‌ها در شمال غربی ایران پیش از ورودشان به فارس، اتفاق نظر دارند. تا همین اواخر قبیله‌ای با نام مغانلو در میان قشقایی‌ها حضور داشته، که به یقین نام خود را از دشت مغان در شمال اردبیل گرفته بوده‌است. غیر از این قشقایی‌ها غالباً اردبیل را به عنوان سرزمین گذشته‌شان معرفی می‌کنند. به نظر می‌رسد، در یک دوره ارتباط نزدیکی میان خلیج‌ها و قشقایی‌ها وجود داشته‌است. برخی نویسنده‌ها از جمله حسن فسایی، که قشقایی‌ها را شاخه‌ای از خلیج‌ها معرفی نموده‌اند.

افراد ایل به گویش ترکی قشقایی که یکی از شاخه‌های گروه‌های زبانی ترکان است، سخن می‌گویند. زبان ترکی از لحاظ نسبی و تباری از گروه زبان‌های آلتایی محسوب می‌شود. زبان‌های آلتائیک به زبان‌هایی اطلاق می‌شود که گویشوران آن‌ها از منطقه میان کوه‌های اورال و آلتایی در شمال ترکمنستان برخاسته و هر گروه با زبان‌های مختلف به نواحی مختلف مهاجرت نموده‌اند. این گروه از زبان‌ها عبارتند از: زبان‌های فنلاندی، مجاری، اورالیک و زبان‌های ترکی، مغولی، منچو و تونقوز. در گروه زبان‌های ترکی، گونه‌های مختلفی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها از دیدگاه هیأت (۱۳۸۰: ۱۹-۲۰) عبارتند از: یاقوت‌ها، چوداش‌ها، قرقیز‌ها، قزاق‌ها، ترکان ترکستان شرقی یا ایغورها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، ترکان غازان، باشقرد، ترکان شمال قفقاز (قوموق _ نوقای)، ترکان غرب ترکیه، آذربایجان، عراق و سوریه، ترکان کریمه، ترکان بالکان، اقاووزی‌ها یا گوگو اوغوزها (ترکان مسیحی رومانی)، ترکان آلتای، ترکان خاکاس - آباقان و ترکان سویون یا تووا.

ترکی قشقایی از خانواده‌ی ترکی آذربایجانی است. لهجه قشقایی، با آن که آذربایجانی است از آغوز خالص‌تر و به لهجه آناتولی نزدیک‌تر است (همان). با وجود نظریه‌های

مطرح شده، ترکی قشقایی، دارای تفاوت‌های کلی در بسیاری از موارد با ترکی آذربایجانی است و نزدیکی بیشتری با زبان ترک‌های مرکزی ایران دارد.

۵. پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه طرح‌واره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته است از جمله پژوهش‌ها در خارج از ایران می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: «تصوراستعاری (زندگی، سفر است) در قرآن: یک تحلیل معناشناسی شناختی» توسط محمد عبدالمنعم (۲۰۰۶)، «درک استعاره‌های زمان و مفاهیم فرهنگی: تحلیل قرآن و ترجمه‌های انگلیسی قرآن» توسط اویدا (Eweida) (۲۰۰۶)، متون شغلی توسط اسمیت (Smit) (۲۰۱۰)، مقاله‌های خبری توسط اساجر (Esager) (۲۰۱۱) و فیلم و هنر توسط کنگنارتس (Coegnarts) و کراوانجا (Kravanja) (۲۰۱۲). در بین پژوهش‌های داخلی نیز می‌توان به پژوهش باقری خلیلی و محرابی کالی (۱۳۹۲)، اشاره نمود که طرح‌واره‌های چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی را بررسی نموده و تحلیل شناختی آن‌ها نشان داد که درک حرکت خطی سعدی بر واقع‌گرایی وی دلالت دارد و در گروه انسان‌های تراژیک جای می‌گیرد و فهم دایره‌ای حافظ دلالت بر آرمان‌گرایی او دارد و وی در شمار انسان‌های حماسی جای می‌گیرد. خسروی، خاک‌پور و دهقان (۱۳۹۳)، به بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی) پرداخته و نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که خداوند در جهت فهم بهتر و آسان تر آیات الهی در قرآن از روش‌های گوناگون از جمله تصویرسازی بهره گرفته که منجر به تاثیر گذاری بیشتر آن‌ها می‌شود. باباسالاری، زندی، روشن و قاسم‌پور (۱۳۹۴) و ذوالفقاری (۱۳۹۵) به بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی پرداخته در پژوهش آن‌ها کاربرد هر سه طرح‌واره پایه در تمامی کتاب‌های شش پایه تحصیلی مشاهده گردید که بیشترین میزان کاربرد ابتدا به طرح‌واره حجمی سپس طرح‌واره حرکتی و در نهایت به طرح‌واره قدرتی اختصاص دارد.

در زمینه ضرب‌المثل نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است. روشن، یوسفی‌راد و شعبانیان (۱۳۹۲)، انواع طرح‌واره‌ها را بر اساس انگاره‌ایوانز و گرین (۲۰۰۶)، در ضرب‌المثل‌های گیلکی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که طرح‌واره حجمی، بسامد وقوع بیشتری نسبت به دیگر طرح‌واره‌ها دارد. شیخ سنگ تجن (۱۳۹۶)،

در مقاله‌ای به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چارچوب معنی‌شناسی شناختی پرداخته است. نتیجه تحقیق وی نشان داد که فراوانی طرح-واره حجمی و پس از آن طرح‌واره حرکتی بیشتر از طرح‌واره‌های دیگر در ضرب‌المثل‌های تالشی بوده است. پاکزاد، ویسی و نقی زاده (۱۳۹۶)، به بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که تعامل تجربه و محیط پیرامون در شکل‌گیری طرح‌واره‌ها و استعاره‌های مفهومی نقش ارزشمندی در کاربرد مفاهیم شناخته شده در گفتمان مخاطبان ایفا می‌کند. در این گویش فراوانی طرح‌واره حجمی نسبت به سایر طرح‌واره‌ها بیشتر بوده است. گلشایی، موسوی و حق‌بین (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی ضرب‌المثل‌های ترکی آذری بر اساس نظریه استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری پرداخته‌اند. بر اساس پژوهش آن‌ها حوزه مبدأ حیوان و طرح‌واره حجمی، بیشترین بسامد و حوزه مبدأ گرما-سرما و مسیر و طرح-واره تعادلی، کمترین بسامد را دارد.

۶. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-استقرایی، انجام پذیرفته است. فرآیند گردآوری داده‌ها به روش‌های اسنادی و میدانی بوده است. در روش اسنادی حدود ۷۷۰ ضرب‌المثل مکتوب در کتاب *ضرب‌المثل‌های ایل قشقایی*، تالیف داوود بالیده و فرحناز ترک قشقایی (۱۳۹۰) جمع‌آوری گردیده‌اند و در روش میدانی با مصاحبه با ۱۰ نفر از گویشوران بین سنین ۴۰ تا ۸۰ سال، گویشوران ضمن ارائه حدود ۳۰ ضرب‌المثل، مفاهیم ضرب‌المثل‌های کتاب را تأیید و تبیین نمودند. از میان ۸۰۰ ضرب‌المثل گردآوری شده، ۲۷۶ ضرب‌المثل دارای طرح‌واره تصویری شناخته شدند که در چارچوب الگوی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین (۲۰۰۶)، طبقه‌بندی شده و بر اساس الگوهای ذکر شده، مورد تحلیل قرار گرفتند. تعدادی از آن‌ها نیز که قابلیت ترجمه و معادل‌یابی به زبان فارسی را داشتند، در متن مقاله به عنوان نمونه ذکر شده‌اند.

۷. ارائه و تحلیل داده‌ها

۱.۷ طرح‌واره جابه‌جایی (حرکتی)

طرح‌واره حرکتی، طرح‌واره‌ای است انتزاعی که به‌واسطه تجربه حرکت انسان و سایر پدیده‌های اطرافش در ذهن وی شکل می‌گیرد و درباره چیزهایی به کار می‌رود که قادر به حرکت نیستند (جانسون: ۱۹۸۷: ۱۱۷-۱۱۳). ارائه این طرح‌واره از سوی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) برای رعایت اصل اقتصاد بوده است تا همه انواع طرح‌واره‌های حرکت، مبدا - مسیر - مقصد را در برگیرد. مثال زیر، نمونه‌ای از طرح‌واره حرکتی در گویش ترکی قشقایی است:

ædʒæl gælæn dæ xæbær edmæz. -

«آجل (مرگ) که بیاید، خبر نمی‌دهد». در این ضرب‌المثل مرگ که پدیده‌ای انتزاعی است همچون یک موجود یا شیء دارای حرکت است. بنابراین گوینده در جهت متناظرسازی مفهوم مرگ، از طرح‌واره حرکتی بهره گرفته است.

مبدا - مسیر - مقصد

از جمله تجربه‌های جسمانی انسان‌ها، رویارویی با مسیرهای مختلف است. گاهی انسان برای رسیدن به هدف یا مقصودی خاص باید از مسیر یا مبدا مشخصی گذر کند. از دیدگاه جانسون، حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک، طرح‌واره‌ای انتزاعی در ذهن انسان پدید می‌آورد. به بیان دیگر، انسان از طریق تجربه حرکت کردن خود و دیگر پدیده‌های متحرک، برای پدیده‌های مختلف، فضایی را می‌آفریند که در آن فضا می‌توان حرکت کرد و برای آنچه قادر به حرکت نیست، می‌توان چنین چیزی را در نظر گرفت. حرکت دارای آغاز و پایانی است (صفوی، ۱۳۷۹: ۳۷۶). ضرب‌المثل‌های زیر نمونه‌هایی از این نوع طرح‌واره تصویری در گویش ترکی قشقایی هستند:

gynlær gætfær biri qonar biri koetfær. -

«روزها می‌گذرند، یکی اُتراق می‌کند و دیگری کوچ می‌کند». (بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین).

در این ضرب‌المثل، روزهای زندگی همچون عنصری پویا و متحرک در مسیری معین، تصویرسازی شده است که قابلیت سپری شدن و گذشتن دارد. به بیانی دیگر، گوینده در این ضرب‌المثل با الهام از سبک زندگی عشایری که در فصول گوناگون در ییلاق و قشلاق

اتراق و کوچ می‌کنند با بیانی استعاری سرآغاز زندگی را به اتراق و پایان آن را به کوچ مانند کرده است که در این مثال سپری شدن عمر و حرکت در مسیر زندگی، تولد و مرگ را با طرح وارهٔ مسیر - مبدا - مقصد بیان نموده است.

æjire i:k hæd tʃadmaz. -

«بار کوچ به منزل نمی‌رسد». در این ضرب‌المثل گوینده، نادرستی را به مثابهٔ باری کوچ در نظر گرفته است که هیچ‌گاه به مقصد نمی‌رسد. به عبارت دیگر، گوینده برای بیان استعاری عدم موفقیت در امور ناپسند و نامطلوب، از طرح‌وارهٔ مبدا - مقصد بهره گرفته است.

saxla samane gælær zæmane -

«گاه را نگه دار که زمان (استفاده از آن)، فرا می‌رسد». معادل این ضرب‌المثل در فارسی (هر چه خوار آید روزی بکار آید) است. بدین معنا که هر چیزی در زمان خودش لازم می‌شود. گوینده زمان را که پدیده‌ای انتزاعی است در قالب طرح‌وارهٔ حرکتی مفهوم سازی نموده است.

obaniŋ dæme hæŋ jana gædæ ardedæ gædær -

«پیشگام و سردمدار ایل به هر سویی که برود پیروان و افراد پشت سرش نیز به همان جا می‌روند». این ضرب‌المثل بدین معناست که هر چیزی پیرو اصل و منشاء خود است. در مثال حاضر گوینده در جهت بیان استعاری تبعیت شخص از طریق و آیین نیاکان خویش با استفاده از طرح‌وارهٔ حرکتی، مسیر حرکت کوچ عشایر را مثال می‌زند وی همچنین در جهت متناظر سازی مفاهیم نیاکان و افراد پیرو آن‌ها از طرح‌وارهٔ عقب - جلو بهره گرفته است.

donjaje su apara - ʃobane uxeh apara

«چوپان را خواب ببرد دنیا را آب ببرد». (هر کس باید بر وظیفه خود آگاه باشد). در مثال حاضر مفاهیم انتزاعی چون به خواب رفتن و غفلت از انجام وظیفه و ایجاد هرج و مرج (آب بردن دنیا)، با طرح‌وارهٔ حرکتی بیان شده اند.

soj bæqdad dan dynir. -

«اصل و نسب از بغداد باز می‌گردد». (اصل و نسب انسان از بین نمی‌رود). معادل این ضرب‌المثل در فارسی گرگ زاده گرگ می‌شود. در مثال حاضر برای اصالت که پدیده‌ای انتزاعی است، ویژگی چون بازگشتن و حرکت تصویر سازی شده است.

– *ƒoræg vermejæn ƒoræg ƒadmaz*

« کسی که نان نمی دهد ، به نان نمی رسد». مفهوم این ضرب المثل این است که فرد خسیس به نان و نوا نمی رسد. رسیدن به ثروت نیز در قالب طرح‌واره حرکتی تصویر سازی شده است.

۲.۷ طرح‌واره فضا

۱.۲.۷ بالا- پایین

از انواع طرح‌واره‌های فضا می‌توان طرح‌واره بالا-پایین را نام برد که انسان با قرار دادن اشیاء پیرامون و یا جسم خود به عنوان محور، وضعیت و موقعیت پدیده‌ها را نسبت به آن‌ها می‌سنجد. به عبارت دیگر، این طرح‌واره چگونگی قرارگیری، وضعیت و موقعیت پدیده‌ها را در سطوح بالاتر یا پایین‌تر و یا در یک سطح مشخص می‌کند. به نمونه‌هایی از این طرح-واره در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی اشاره می‌کنیم:

– *sæn hamife atle olmaŋ mæn pi:jada.*

«تو همیشه سواره و من همیشه پیاده نخواهم بود». معادل این ضرب‌المثل در فارسی گهی پشت به زین و گهی زین به پشت است. در این ضرب‌المثل، گوینده با توجه به سبک زندگی عشایری و استفاده از حیواناتی نظیر اسب در جهت حمل و نقل، سواره به عنوان فرد غنی و دارای جایگاه اجتماعی مطلوب در نظر گرفته شده است. پیاده نیز به فرد نیازمند و دارای شرایط اجتماعی نامساعد اطلاق می‌شود. گوینده برای بیان استعاری برخورداری یا عدم برخورداری از شرایط و جایگاه اجتماعی مناسب، با توجه به روال زندگی عشایر در قالب ضرب‌المثل، از طرح‌واره‌های بالا-پایین، استفاده کرده است.

– *jer inæn gøj arasinda gir edmifæm.*

«بین زمین و آسمان گیر کرده‌ام». تکلیفم روشن نیست و نمی‌توانم تصمیم بگیرم). در این ضرب‌المثل برای متناظرسازی مفهوم استعاری بلا تکلیفی، از طرح‌واره پایین-بالا استفاده شده است.

– *œzgæ atuna minæn pijade olar.*

«کسی که بر اسب دیگران سوار شود، پیاده می ماند». (با وابستگی نمی توان به هدف رسید). در این ضرب المثل رسیدن به یک موقعیت با تکیه بر حمایت دیگران در قالب طرح واره بالا و شکست و ناکامی در قالب طرح واره پایین بیان شده است.

۲.۲.۷ جلو - عقب

در این نوع طرح واره، انسان با محوریت جسم خود و یا اجسام پیرامونش، مشخص می کند که آیا در وضعیتی جلوتر یا عقب تر قرار دارد. چنین تجربه‌هایی منجر به پیدایش طرح واره-های تصویری می شوند که بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به صورت تصویری به ذهن متبادر می کنند.

ilære gere danifma. -

«حرف پیش و پس نزن». که مفهوم آن (حرف نامربوط نزن)، است. در اینجا برای مفهوم سازی سخنان سنجیده و مرتبط با موضوع، از طرح واره جلو-عقب و همچنین طرح-واره ارتباطی استفاده شده است.

ilære gere saruma. -

«نخ را»، پیش و پس نتاب (نریس). در این ضرب المثل گوینده در جهت متناظر سازی سخن سنجیده و متناسب با بحث به گونه ای استعاری، بافندگی و ریستن و تاییدنخ که از جمله هنرهای زنان عشایر است و نیازمند دقت و نظم خاصی است را در قالب طرح واره جلو-عقب مطرح می کند.

۳.۲.۷ دور و نزدیک

طرح واره دور و نزدیک از تعامل با محیط پیرامون ایجاد می شود. در این نوع طرح واره، انسان به واسطه دوری و نزدیکی، موقعیت اشیاء یا پدیده‌های پیرامون را نسبت به خود یا اشیاء دیگر می سنجد. چنین تجربه‌ای وی را به ساخت طرح واره دور و نزدیک سوق داده است. برای مثال:

bire ænfiriq dæ bire mænfiq dæ. -

«یکی در غرب و دیگری در شرق است». (فاصله آنها بسیار زیاد است و دسترسی به آنها ممکن نیست). در این ضرب المثل برای بیان استعاری فاصله بسیار زیاد، از دو جهت شرق و غرب که نمایانگر دورترین فاصله بوده‌اند، استفاده شده است.

– ulduze nifana tu:t ta ajε vuran.

«ستاره را نشانه بگیر تا ماه را مورد هدف قرار بدهی». (به هدف بزرگ‌تر بیان‌دیش تا در نهایت به هدف کوچک‌تر دست یابی). در این ضرب‌المثل ستاره به عنوان دورترین هدف و ماه به عنوان هدف قابل دسترس معرفی شده‌اند. بنابراین گوینده برای متناظر سازی مفاهیم استعاری اهداف اعلاء و اهداف در دسترس، از دو طرح‌واره دور و نزدیک بهره گرفته است.

– ældæke bir sirtfæ aqadzake sirtfæ dæn jej tæder.

« گنجشکی که در دست است از گنجشک روی درخت بهتر است». (نقد بهتر از نسیه است). در این ضرب المثل برای بیان استعاری نقد و نسیه از طرح واره دور- نزدیک استفاده شده است.

– qar daqda olanda æziz olar.

«برف در کوه که باشد عزیز می شود». (فامیل وقتی که دور است عزیز است) معادل این ضرب المثل در فارسی دوری و دوستی است.

۳.۷ طرح‌واره مهارشدگی

ایوانز و گرین (۲۰۰۶) در تعریف این نوع طرح‌واره و چگونگی شکل‌گیری آن آورده‌اند: یک فنجان قهوه را در دستان خود تصور کنید اگر آن را به طرف بالا یا پایین و یا از سمتی به سمت دیگر تکان دهید، انتظار دارید که محتویات آن نیز حرکت کند. اما فنجان، محتویات درون خود را محدود می‌کند. به بیان دیگر فنجان کنترل دینامیکی بر روی قهوه اعمال می‌کند. این امر بسیار واضح به نظر می‌رسد و این نوع شناخت که ما آن را به‌آسانی می‌پذیریم، در نتیجه تعامل ما با محیط پیرامون حاصل شده است.

۱.۳.۷ حجم (ظرف)

طرح‌واره حجمی، طرح‌واره‌ای است که انسان آن را از تجربه قرار گرفتن در مکان‌های حجم‌دار، مانند اتاق یا تخت، و نیز قرار دادن اشیاء گوناگون در مکان‌هایی حجم‌دار، کسب می‌کند و به‌واسطه این تجربه، طرح‌واره‌های انتزاعی در ذهن خود ایجاد می‌کند (جانسون)، (Johnson)، ۱۹۸۷: ۲۳-۲۱). لیکاف معتقد است، درک معنی این جمله‌ها براساس فرافکنی استعاره‌ای انجام می‌پذیرد که در آن، طرح‌واره تصویری حجم، به حوزه مفهومی انتزاعی

کشیده می‌شود (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۳۵). از دیدگاه جانسون، طرح‌واره حجمی دارای مجموعه‌ای از استلزامات و ویژگی‌های منطقی مانند: حفاظت، مقاومت، محدودیت و ثبات مکانی نسبی است (جانسون (Johnson)، ۱۹۸۷: ۱۱۴). در پژوهش حاضر از میان انواع طرح‌واره‌های مهار شدگی تنها طرح‌واره حجم (ظرف) مورد بررسی قرار گرفته است. در مثال-های زیر به نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های قشقای که حاوی این طرح‌واره هستند، اشاره شده است:

- adame baf dan tanjalar aqadze jafdan.

انسان را از روی سر (عقلش)، و درخت را از روی سن می‌شناسند (می‌سنجند). (شایستگی و انسانیت در گرو خردمندی است نه سن و سال). در این ضرب‌المثل، گوینده برای بیان مفاهیمی همچون شایستگی و خردمندی، از خواص ظرف گونه بهره گرفته است. سر به عنوان ظرفی در نظر گرفته شده که مظروف آن عقل است.

- bir bafda bir goz var.

«در یک سر فقط یک چشم وجود دارد». (فقط یک فرزند پسر دارند). در میان ترک‌زبانان، ارزش خاصی برای فرزندان پسر قائل هستند شاید به دلیل اینکه زندگی در شرایط سخت افرادی با روحیه جنگاوری، مقاومت و سرسختی در جهت حمایت خانواده می‌طلبد. در این ضرب‌المثل نیز چشم را به عنوان ظرفی در نظر می‌گیرد که مظروف آن امور انتزاعی مانند عشق و ارزش و احترام است.

- axer bir vaqt olar doaremz haem qaf olar.

«سرانجام زمانی می‌شود که گوسفندانمان در یک قاش (محل نگهداری دام‌ها) قرار می‌گیرند». این ضرب‌المثل بدین معناست که بالاخره افراد با یکدیگر مواجه می‌شوند. در مثال حاضر گوینده برای بیان رویارویی افراد، قاش (محل نگهداری دام‌ها) را ظرفی متصور شده است که سرانجام در آن با یکدیگر مواجه می‌شوند.

۴.۷ طرح‌واره توازن (تعادل)

انسان در طول عمرش، مفاهیمی از تعادل مانند دوچرخه سواری کردن، راه رفتن و... را فرا می‌گیرد. نمونه‌چنین تجربه‌هایی انسان را به ساخت طرح‌واره‌ای در ذهن سوق می‌دهد که آن را طرح‌واره توازن (تعادل) می‌نامیم. در زیر به نمونه‌ای از این طرح‌واره اشاره می‌کنیم:

– hær næ ækaŋ elæ onu bitfæraŋ.

«هرچه بکاری همان را درو می‌کنی». در این ضرب‌المثل برای بیان استعاره‌ی توازن میان اعمال انسان و نتیجه‌ی اعمال وی با استفاده از ضرب‌المثل، فرآیند کاشت و برداشت محصول در قالب طرح‌واره‌ی تعادل، مطرح شده است.

– hær kæs jere artux zeraæte ffox.

«هر کس زمینش بیشتر باشد زراعتش نیز بیشتر است». معادل این ضرب‌المثل در فارسی (هر که بامش بیش، برفش بیشتر است). در این ضرب‌المثل نیز به گونه‌ای استعاره‌ی توازن میان ثروت بیشتر و در نتیجه مشکلات آن تصویر سازی شده است.

۵.۷ طرح‌واره‌ی نیرو

۱.۵.۷ اجبار

این طرح‌واره حاصل تجربه‌ی قرار گرفتن تحت تأثیر یک نیروی خارجی است، مشابه فردی که در جمعیت زیاد با فشار به جلو رانده می‌شود و یا تحت تأثیر باد شدید و یا جریان سیل، اشیاء به حرکت درمی‌آیند. گاه این نیرو غیرقابل کنترل است و گاه قابلیت تعدیل دارد (جانسون (Johnson)، ۱۹۸۷: ۴۵). ضرب‌المثل زیر نمونه‌ای است از کاربرد این طرح‌واره در گویش ترکی قشقایی:

– nænæ jin ærenæ gydzung etifmæde de næræ boa.

«وقتی که به شوهر مادرت زورت نرسید به او بگو بابا بزرگ». این ضرب‌المثل بیانگر موقعیتی است که فرد با شخصی زورگو، قدرتمند و با جایگاه اجتماعی بالاتر روبه‌رو است و به اجبار باید با وی ارتباط مسالمت‌آمیزی داشته باشد. گوینده ضرب‌المثل با بیانی استعاره‌ی مخاطب را به تدبیر و درایت و برخوردی توأم با ملایمت در برابر شخص زورگو، ترغیب می‌کند.

– adz lig dan goez ffaxardir.

«از گرسنگی چشم در می‌آورد». در مثل حاضر نهایت فقر و اجبار با استفاده از طرح‌واره‌ی اجبار مفهوم سازی شده است.

۲.۵.۷ نیروی متقابل

گاهی انسان در مسیر زندگی با دو نیروی یکسان مواجه می‌شود که همچون سدی مستحکم در برابر یکدیگر بوده و هیچ یک قادر به حذف دیگری نیست؛ مانند زمانی که انسان از یک حادثه ناگوار جان سالم به درمی‌برد و تقابل دو نیروی یکسان سبب نجات او شده است (جانسون (Johnson)، ۱۹۸۷: ۴۷-۴۶). بنابراین، سخنگوی زبان از طریق چنین تجربیاتی می‌تواند مفاهیم انتزاعی را در ذهن خود به وسیله طرح‌واره نیروی متقابل، گسترش معنایی دهد. در زیر به نمونه‌هایی از کاربرد این گونه طرح‌واره در ضرب‌المثل‌های قشقایی اشاره شده است:

su: ote kor edær. -

«آب، آتش را خاموش می‌کند.» (آب و آتش یک جا جمع نمی‌شود). در این ضرب‌المثل، آب و آتش به عنوان دو نیروی متقابل متصور شده‌اند که وجود هر یک دیگری را خنثی می‌کند. گوینده برای بیان تضاد میان دو نیروی متقابل (اعم از انسان، اشیاء و پدیده‌ها)، از طرح‌واره نیروی متقابل بهره گرفته است.

jaqinan su: birbir inæn qærifmæz. -

«روغن و آب با یکدیگر ترکیب نخواهند شد.» این ضرب‌المثل در مواقعی کاربرد دارد که دو نفر با یکدیگر تفاهم ندارند. گوینده برای بیان استعاری تقابل میان دو فرد مخالف یکدیگر، از این نوع طرح‌واره استفاده کرده است.

hær qærænĵ da bir ajadin var. -

«هر تاریکی یک روشنایی نیز دارد.» (پایان شب سپید است).

ta gødmeĵæn taze jurda kohne jurdiŋ qædrene bilmæn. -

«تا به جایگاه (محل اتراق) جدید نیروی ارزش جایگاه قبل را درک نمی‌کنی.» معادل این ضرب‌المثل در فارسی (قدر عافیت آن کسی داند که به مصیبتی دچار شده است). گوینده در جهت ترغیب مخاطب به قدر شناسی از نعمات در اختیارش به گونه استعاری، تقابل میان عافیت و مشکلات را در قالب طرح‌واره نیروی متقابل مطرح نموده است.

۳.۵.۷ رفع مانع

گاهی انسان با موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که مانع، از مسیر حرکت کنار می‌رود و حرکت بدون هیچ وقفه‌ای ادامه می‌یابد. چنین تجربیاتی انسان را به ساخت طرح‌وارهٔ رفع مانع در ذهن سوق می‌دهد.

– kaenæ qolqolæ dyfdu kætf læ fursæt.

«در شهر بلوایی به پا شد و برای گچل فرصتی فراهم شد». معادل این ضرب‌المثل در زبان فارسی (هایی شد و هوایی شد، کل به نوایی رسید) است، (اشاره به فرد فرصت‌طلب است). در این ضرب‌المثل گوینده با بیانی استعاری ایجاد بلوا و آشوب در شهر را مثال می‌زند که به این واسطه موانع از مسیر شخص فرصت طلب برداشته شده و به هدف خود می‌رسد.

– dif ki aqurir fækæsjæn.

«دندانی که درد می‌کند را باید کشید». مثل حاضر بدین معناست که تنها راه رفع مزاحم دائمی از بین بردن آن است.

۴.۵.۷ توانایی

انسان در زندگی با موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که وجود یا عدم وجود نیرویی را در خود درک می‌کند؛ برای مثال او قادر است نوزادش را بلند کند و در آغوش بگیرد، اما نمی‌تواند خودرو را بلند کند. با وجود این که این توانایی یک باور ذهنی است، از دیدگاه جانسون بردار بالقوه‌ای از نیرو را تشکیل می‌دهد که او آن را طرح‌وارهٔ توانایی نامیده است. در صورت نبود هیچ مانعی، این بردار بالقوهٔ نیرو، توانایی جابه‌جایی اشیاء را به ما می‌دهد (جانسون Johnson)، (۱۹۸۷: ۴۷-۴۶). در اینجا به نمونه‌ای از این طرح‌واره در ضرب‌المثل‌های قشقایی اشاره می‌کنیم:

– æli:m baqlu dur.

«دستم بسته است». (نمی‌توانم کاری انجام دهم). در این ضرب‌المثل ناتوانی در انجام کارها، با طرح‌وارهٔ تصویری توانایی، مفهوم‌سازی شده است.

– qar:ε it gælajε olmaz.

«سگ پیر گلایی نمیشود». افرادی که به علت پیری نمی‌توانند مهارت جدیدی کسب کنند.

– qurd dan qorxan qojun æjæse olmaz.

«کسی که از گرگ بترسد صاحب میشی نمی‌شود». آدم ترسو قادر به دفاع از حق خودش نیست.

– quru aqadz soarmag nan gœj olmaz.

«چوب (درخت خشکیده با آبیاری سبز نمی‌شود). این ضرب‌المثل بدین معناست که آدم‌های بی‌اصل و نسب نمی‌توانند الگو باشند. در مثال‌های ذکر شده با بیانی استعاری طرح‌واره توانایی مفهوم سازی شده است.

۵.۵.۷ جذب

این طرح‌واره از تجربه انسان در مشاهده جذب یک شیء به سمت شیء دیگر به کمک تأثیر نیروی وارد شده بر آن، ایجاد می‌شود. به‌عنوان مثال: جذب براده‌های آهن توسط آهن رباو یا کشش گرد و غبار و زباله‌ها به وسیله جاروبرقی (جانسون (Johnson)، ۱۹۸۷: ۴۷). این طرح‌واره نیز می‌تواند در موارد انتزاعی کاربرد یابد. به‌عنوان مثال:

– arze lajan bular i:nelajan ølær

«کسی که خواهان چیزی است، آن را می‌یابد و کسی که مدام آه و ناله می‌کند، می‌میرد». در این ضرب‌المثل به جذب خواسته‌ها و امور نیک و بد، اشاره گردیده است.

۶.۵.۷ انسداد (مانع)

گاهی در مسیر حرکت انسان و یا پدیده‌های پیرامونش، سد یا مانعی ایجاد می‌شود که واکنش وی در برابر این مانع، بستگی به میزان قدرت او دارد. بدین ترتیب او بر اساس این تجربه، تصویری در ذهن خود می‌سازد که همان طرح‌واره انسداد (مانع) است.

– jole itfi næ daf atir.

«در مسیر حرکتش، سنگ می‌اندازد» (ایجاد مشکل برای کسی). ایجاد مانع و مشکل در مسیر زندگی، کار و فعالیت دیگران، با استفاده از طرح‌واره انسداد، بیان گردیده است.

– qurd vurdu duara vaj ona ke bir gætfæ varu.

« گرگ به دام‌ها حمله کرد وای به حال آنکه یک بز دارد». معادل این ضرب المثل در فارسی (هرچی سنگه پیش پای لنگه) است. موانع و مشکلات در برابر افراد ضعیف و تهیدست بیشتر ظاهر می‌شوند. در این ضرب المثل حمله گرگ به دام‌ها همانند یک مانع برای فرد ضعیف به تصویر کشیده شده است.

- *dul olmagnæn o qæhæt ligem belænæ gælde.*

«همزمان با بیوه شدنم قحطی و تنگدستی نیز در زندگیم آمد». معادل (گر در همه دهر یک سر نیشتر است در پای کسی رود که درویش تر است). موارد مطرح شده در این ضرب المثل به بروز موانع متعدد به یکباره در مسیر زندگی فرد با بهره‌گیری از طرح‌واره انسداد مطرح شده اند.

۷.۵.۷ مقاومت

طرح‌واره مقاومت آخرین نوع از طرح‌واره‌های نیرو است. این طرح‌واره ناشی از تجربه انسان در مشاهده و درک مقاومت یک شیء در برابر شیء دیگر به کمک تاثیر نیروی وارد شده بر آن، است. مانند مقاومت یک سنگ در برابر سیل. این طرح‌واره نیز قابلیت گسترش به موارد انتزاعی، دارد. مثال:

- *bir dæqæjīn houselæsi miŋ ilīŋ tfoerægu dur*

«یک دقیقه حوصله (صبر)، برابر با نان (رزق) هزار ساله است». معادل‌های این ضرب المثل در فارسی (گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی) و همچنین (صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد) است. صبر به معنای مقاومت و خویشتنداری در برابر سختی‌ها و ایستادگی در برابر مسائل گوناگون است. گوینده در این ضرب المثل با متناظرسازی اهمیت صبر و به تصویر کشیدن نتیجه مقاومت در شرایط گوناگون، صبر را معادل پاداش و رزقی بی‌پایان می‌داند که با آن می‌توان بر فرجامی نیک و رستگاری نائل شد.

- *æræbi at œzenæ jalaq jodmaz.*

«اسب عربی تازیانه را به خود راه نمی‌دهد». (فرد زیرک در برابر حيله‌های دیگران تسلیم نمی‌شود). مقاومت در برابر مکر دیگران با استفاده از طرح‌واره مقاومت مفهوم سازی شده است.

۶.۷ طرح‌واره اتحاد

۱.۶.۷ اتحاد

انسان در زندگی روزمره با موارد بسیاری از پیوستگی و متحد شدن اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود با یکدیگر مواجه می‌شود، مانند: اتحاد در میان قبایل و کشورهای مختلف. از این رو، انسان تجارب مادی خود را به امور انتزاعی گسترش می‌دهد و طرح‌واره اتحاد را در ذهن خود می‌سازد.

– el atan daf i:raqa gedær.

«سنگی که (با همکاری) همه مردم ایل پرتاب شود، مسافت دورتری را طی می‌کند». (با اتحاد و همدلی می‌توان به پیروزی رسید).

– tæk atle da toz olmaz.

«تاخت و تاز یک اسب به‌تنهایی گرد و غبار راه نمی‌اندازد». (بدون اتحاد، پیشرفت میسر نمی‌شود). در مثل‌های بالا، گوینده با در نظر گرفتن سبک زندگی عشایری، با استفاده از مفاهیم استعاره‌ای برای ترغیب دیگران به همکاری در انجام امور، از طرح‌واره اتحاد بهره می‌گیرد.

۲.۶.۷ جزء و کل

انسان در زندگی روزمره با موارد بسیاری مواجه می‌شود که نشانگر پیوستگی کلی-جزئی هستند؛ مانند اعضای بدن که به عنوان جرئی از کل بدن هستند. این مشاهدات به ساخت طرح‌واره جزء و کل می‌انجامد. مثال:

– tylkijæ dædilær fahediŋ kimnir dædæ qu:jruqum.

«به روباه گفتند شاهدت کیه گفت دُم». در این مثل، گوینده با قصد بیان وجود پیوستگی میان شخص دروغگو و گواه وی، از قابلیت استعاره‌ای ضرب‌المثل بهره گرفته است و آن را در قالب طرح‌واره تصویری جزء و کل مطرح نموده است.

– qojruq inan qoz qirir.

«با دمش گردو می‌شکند». این ضرب‌المثل بیانگر نهایت شادی است.

– dyjæ qojruqu jeræ gælændæ bu if olar.

«زمانیکه دم شتر به زمین بیاید این کار انجام می‌شود». (محال بودن انجام کاری).

– tilki tilkiyə dejt tikli denir qojruquna dejt.

« روباه به روباه می گوید و روباه بر می گردد و به دمش می گوید». معادل این ضرب المثل نوکر ما نوکری داشت و نوکر او هم چاکری. نافرمانی و بی حاصل ماندن وظایف محوله، با طرح واره جز و کل مطرح گردیده است.

۳.۶.۷ ارتباط

این طرح‌واره آخرین گونه از طرح‌واره اتحاد است. انسان بامشاهده ارتباطات انسانی نظیر رابطه میان دوستان، روابط عاطفی و... و همچنین با تجربه اموری که با روابط علت- معلولی سروکار دارند، طرح‌واره ارتباط را در ذهن خود می‌سازد. به‌کارگیری این طرح‌واره از سوی سخنگویان زبان، نمایانگر متدوال بودن این مفهوم در ارتباطات انسانی است. این طرح‌واره نیز قابلیت گسترش معنایی به موارد انتزاعی را دارد. در ادامه به نمونه‌ای از کاربرد این ضرب‌المثل در گویش ترکی قشقایی اشاره شده است:

– anasina bax qizine al qeraqina bax bezene al.

«به مادرش نگاه کن و دختر را بگیر، گوشه پارچه را نگاه کن و آن را بخر». این مثل به ارتباط خصلت‌های مادر و دختر اشاره دارد.

۷.۷ طرح‌واره هم‌سانی

تجربه انسان در مواجهه با اشیاء و پدیده‌های مشابه، مانند شباهت ظاهری و رفتاری میان اعضای یک خانواده، طرح‌واره‌ای انتزاعی را در ذهن او شکل می‌دهد که طرح‌واره هم‌سانی نامیده می‌شود.

– bej burmaq birbir tækin olmaz.

«پنج انگشت مثل هم نیستند». (همه افراد یک خانواده از لحاظ اخلاق و رفتار شبیه به هم نیستند). گوینده، افراد جامعه را به مثابه انگشتان دست در نظر می‌گیرد که با وجود داشتن کارکرد کم‌ویش یکسان، اما متفاوت هستند. بنابراین برای بیان استعاری تفاوت در خلیقات و عقاید میان افراد، از طرح‌واره هم‌سانی بهره گرفته شده است.

– atë at januna baqlëjana hæm ræñ olmaz hæm xoj olar.

«اسبی را کنار اسب دیگر ببندی هم‌رنگ نمی‌شوند هم خوی می‌شوند». خوی و منش انسان‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد مثل حاضر در زبان فارسی (معادل کمال‌هم‌نشین در من اثر کرد و گرنه من همان خاکم که هستم). و تأثیر‌پذیری و هم‌گونی‌خصلت‌های افراد در گذر زمان با استفاده از طرح‌واره‌همسانی مطرح شده است.

۸.۷ طرح‌واره موجودیت

طرح‌واره موجودیت از مشاهده و درک هر آنچه وجود دارد و مشاهده و درک می‌شود، شکل می‌گیرد. یکی از انواع طرح‌واره‌های موجودیت، طرح‌واره شیئی است. انسان با مشاهده اشیاء پیرامون خود درمی‌یابد که اشیاء، دارای مختصات و ویژگی‌های متفاوت با موجودات زنده هستند. ویژگی‌هایی نظیر رشد و حرکت کردن، شنیدن، حس کردن و... انسان با در نظر گرفتن این خصوصیات در اشیاء، طرح‌واره‌ای را در ذهن می‌سازد و آن را به موارد انتزاعی نیز، گسترش می‌دهد.

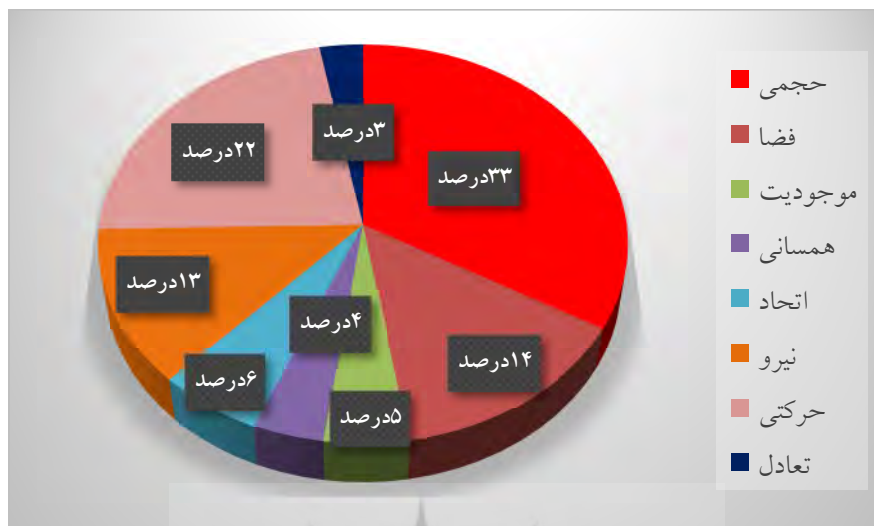
– æqlenε edzare vermjf.

«عقلش را اجاره داده است». (دیگران به جای او، تصمیم می‌گیرند). در این مورد، عقل که پدیده‌ای انتزاعی است، مانند شیء مادی در نظر گرفته شده است که قابل سپردن و اجاره دادن به دیگران است.

– adam gouhærene dafa vurmaz.

«انسان گوهر وجودی خود را بر سنگ نمی‌زند». (انسان نباید خود را خوار کند). در این مثل، کرامت و گوهر وجودی انسان که اموری انتزاعی هستند، همچون امور مادی جهان پیرامون، قابلیت شکستن و بر سنگ زدن دارند.

در این پژوهش پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، میزان فراوانی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی به دست آمد. در نمودار زیر توزیع کلی میزان فراوانی طرح‌واره‌های یافت شده در پیکره زبانی ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی در چارچوب الگوی طرح‌واره‌تصوری ایوانز و گرین (۲۰۰۶)، ترسیم شده است.



نمودار ۱: میزان فراوانی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که طرح‌واره مهارشدگی (حجمی) با ۳۳.۳٪ فراوانی، بیشترین کاربرد را در ضرب‌المثل‌ها به خود اختصاص داده است و طرح‌واره تعادل، تنها ۲.۹٪ از این آمار را به خود اختصاص داده است.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

شواهد به‌دست آمده از بررسی ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی نشان داد که انواع کلی طرح‌واره‌های مطرح شده در الگوی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) در این ضرب‌المثل‌ها، مشاهده شد. عبارات استعاری حاوی طرح‌واره مهارشدگی (حجمی) با ۳۳.۳٪ فراوانی، و پس از آن طرح‌واره حرکتی با ۲۲.۵٪ فراوانی، بیشترین و عبارات استعاری دارای طرح‌واره تعادلی با ۲.۹٪ فراوانی، کمترین میزان کاربرد را در این ضرب‌المثل‌ها دارا هستند. با مقایسه نتایج جستار حاضر با نتایج پژوهش روشن و دیگران (۱۳۹۲)، درمی‌یابیم که در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان، بالاترین درصد فراوانی متعلق به طرح‌واره حجمی و پس از آن طرح‌واره همسانی بوده است، درحالی که در ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی پس از طرح‌واره حجمی، طرح‌واره حرکتی بیشترین میزان کاربرد را به خود اختصاص داده است، اینکه حرکت و پویایی با ماهیت زندگی عشایری پیوند خورده است، خود توجیهی است برای این تفاوت

به‌کارگیری طرح‌واره حرکتی در میان ضرب‌المثل‌های قشقایی. از سوی دیگر با مقایسه نتایج گلشائی و دیگران (۱۳۹۸)، در مورد طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری مشاهده گردید که در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری نیز بیشترین طرح‌واره‌های تصویری به کار رفته متعلق به طرح‌واره‌های حجمی و کم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری متعلق به دسته طرح‌واره‌های تعادلی است و نتایج پژوهش مطرح شده همسو با پژوهش حاضر است.

از این یافته‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که با توجه به این که بدن انسان نخستین و ملموس‌ترین ظرف در اختیار اوست، بنابراین می‌تواند اساس ایجاد ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین طرح‌واره‌ای باشد که جانسون (۱۹۸۷) آن را طرح‌واره مهارشدگی (حجمی)، نامید. بنابراین این مساله را می‌توان توجیهی شناختی برای بسامد بالای وقوع این طرح‌واره دانست. با توجه نظام زندگی عشایر، پویایی و حرکت، مشخصه بارز افراد ایل است. کوچ عشایر در فصول معینی از سال، در مسیرهای دشوار برای یافتن چراگاه مناسب، از جمله دلایلی است که گویشوران ترکی قشقایی برای بیان استعارای اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود، از ویژگی‌هایی چون حرکت، مسیر-مبداء-مقصد و در نتیجه از طرح‌واره حرکتی، زیاد استفاده می‌کنند. همچنین افراد ایل، در تعامل با محیط پیرامون و برای انتقال مضامین ارجاعی و ارزش‌گذاری مفاهیم، براساس فیزیولوژی بدن خود از طرح‌واره فضایی بهره می‌جویند. واژه اتحاد به معانی یکی شدن، پیوستگی، یکدلی و یگانگی داشتن است. زندگی ایلی متشکل از افرادی از طوایف و تیره‌های گوناگون است. افراد ایل در جهت نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی گوناگون همواره با یکدیگر متحد هستند چراکه این اتحاد رکن اساسی در حفظ اموال و قلمرو سکونت آن‌ها است. از سوی دیگر اتحاد، اصلی مهم و محوری در راستای اجرای اصول و قوانین در زندگی ایلی است. این توضیحات مؤید کاربرد قابل توجه طرح‌واره اتحاد در میان قشقایی‌ها است. عشایر، مردمانی پر تلاش و مقاوم هستند همچنین توانایی آن‌ها در رفع موانع و فائق آمدن بر مشکلات می‌تواند مؤید وجود طرح‌واره قدرتی در گفتار آنان باشد. با نگاهی به زندگی مردم عشایر می‌توان جنبه‌هایی از توازن را در تمامی ابعاد مشاهده نمود. زندگی آن‌ها مختص به یک بعد نبوده و آن‌ها به موازات امور معیشتی به هنر و ورزش‌هایی همچون اسب سواری و تیراندازی نیز می‌پردازند. از سویی دیگر انجام هر یک از ورزش‌های ذکر شده، نیازمند تعادل در جهت افزایش دقت اجرا و اصابت به هدف است. بنابراین دور از ذهن نیست که افراد در جهت بیان استعارای مفاهیم، از طرح‌واره تعادل نیز بهره بگیرند. هم‌زیستی افراد با روحيات

گونگون اما با آداب و رسوم و ارزش‌های یکسان در قلمرویی واحد و از سویی دیگر تمایل ذهنی افراد در همانندسازی پدیده‌های پیرامون، چون حیوانات، عناصر طبیعت و... را می‌توان توجیهی در جهت به‌کارگیری طرح‌واره هم‌سانی دانست. اینکه افراد با بهره‌گیری از اصل تداعی و قوه تخیل و همچنین تجارب روزمره، مفاهیم ذهنی خود را با استفاده از دو ابزار مهم یعنی زبان و اندیشه عینیت می‌بخشند و امور انسانی را به اشیاء و پدیده‌های پیرامون نسبت می‌دهند، خود توجیهی است برای وجود طرح‌واره موجودیت در میان ضرب‌المثل‌های قشقایی.

کتاب‌نامه

- باباسالاری، زهرا؛ زندی، بهمن؛ روشن، بلقیس و قاسم‌پور، حسین (۱۳۹۴). «بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی». مجله زبان و زبان‌شناسی، ۱۱(۲۱)، ۶۹-۸۷.
- بالیده، داوود؛ ترک قشقایی؛ فرحناز (۱۳۹۰). «ضرب المثل‌های ایل قشقایی». انتشارات ره آورد هنر.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و محرابی کالی، منیره. (۱۳۹۲). «طرح‌واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی»، فصل‌نامه نقد ادبی، ۶(۲۳)، ۱۲۵-۱۴۸.
- بهمن‌یار، احمد (۱۳۶۹)، داستان‌نامه بهمنیاری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پاک نژاد، محمد؛ ویسی، الخاص و نقی‌زاده، محمود (۱۳۹۶). «بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی». زبان پژوهی، ۱۹(۲۴)، ۱۱۱-۱۳۸.
- حاجی نصرالله، شکوه (۱۳۸۱). «نگاهی به ادبیات پیش از دبستان». پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان. ش ۳۰، ۳۲-۲۳.
- خسروی، سمیرا؛ خاک‌پور، حسین و دهقان، سمیرا (۱۳۹۳). «بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی)». فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی قرآن، ۲(۴)، ۹۴-۱۱۲.
- درداری، نوروز (۱۳۸۸). تاریخ اجتماعی سیاسی ایل بزرگ قشقایی، شیراز: انتشارات قشقایی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۰). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، اختر (۱۳۹۵). نظام حاکم بر استعاره‌های مفهومی در حوزه دنیوی و اخروی در زبان قرآن، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه بوعلی سینا همدان.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی». فصل‌نامه مطالعات ملی، سال ۸(۲)، ۵۳-۲۷.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی. تهران: سمت

- روشن، بلقیس؛ یوسفی‌راد، فاطمه و شعبانیان، فاطمه. (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان». زبان‌شناخت. ۴(۲)، ۷۵-۹۴.
- شیخ‌سنگ‌تجن، شهین (۱۳۹۶). «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، زبان‌شناخت، ۸(۲)، ۱۰۳-۱۱۳.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹). درآمدهای بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی. تهران: نشر علمی.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۶)، سیاه چادرها، شیراز: کیهان نشر.
- گری، مارتین (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی (در زبان انگلیسی). ترجمه منصوره شریف‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلشایی، رامین؛ موسوی، فرزانه و حق‌بین، فریده (۱۳۹۸). «تحلیلی شناختی از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری»، فصل‌نامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۸(۲)، ۸۱-۱۰۱.
- گندمکار، راحله (۱۳۹۰). «رویکردی شناختی به مسئله هم‌معنایی بافتی در سطح افعال زبان فارسی». پژوهش‌های زبانی. ش ۲، ۱۲۵-۱۱۵.
- گویا، زهرا و حسام، عبدالله (۱۳۸۶). «طرح‌واره‌های ذهنی: توجیه‌گر بدفهمی‌های ریاضی‌دانش‌آموزان». فصل‌نامه روان‌شناسی کاربردی. ش ۲، ۲۰۰-۱۷۷.
- هیأت، محمدجواد (۱۳۸۰)، سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی، تهران: نشر پیکان.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی استعاره‌زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

Bartlett, F. C. (1932). *Remembering: A Study in Experimental and Social Psychology* Cambridge, England: Cambridge University Press.

Coegnarts, M. & P. Kravanja, (2012). *From Thought to Modality: A Theoretical Framework for Analyzing Structural Conceptual Metaphors and Image Metaphors in Film*. *Image and Narrative*, 13(1), 96- 113.

Croft, W., & Cruse, D.A. (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.

Esager, M. (2011). *Fire and Water: a comparative analysis of conceptual metaphors in English and Danish news articles about the credit crisis*. Available at: <https://pdfs.semanticscholar.org/8210/3598a70525cadb2d56cad52229e8fa951664.pdf>.

Evans, V. and M.Green (2006). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.

Eweida, S. (2006). *The Realization of Time Metaphors and the Cultural Implications: An Analysis of the Quran and English Quranic Translations*, Special Project PK, Stockholm University: Department of English.

- Fuchs Hans U. (2007). From Image Schema to Dynamical Models in Fluids. Electricity, Heat and Motion. Physis. 1-64.
- Geeraerts, D. (1995). Cognitive linguistics: Handbook of pragmatics. Amsterdam: J. Benjamin Pub. Co.
- Ibanez, F. (2008). Cross- Linguistics analysis, second language teaching and cognitive semantics: The case study of Spanish diminutives and reflexive constructions. In Sabine Du knop Teun De Rycker (eds.). Cognitive Approaches to Pedagogical Grammar. 121-153.
- Johnson, M. (1987). The Body in the Mind. Chicago: University of Chicago Press. Lakoff, G. (1987). Women, Fire and Dangerous Things. Chicago: University of Chicago Press.
- Kravanja, (2012). From Thought to Modality: A Theoretical Framework for Analyzing Structural Conceptual Metaphors and Image Metaphors in Film. Image and Narrative, 13(1), 96- 113.
- Lakoff, G. & Turner, M., More than Cool Reason: A Field Guide Poetic Metaphor, The University Chicago Press, 1989.
- Langacker, R. w. (2008a). Cognitive Grammar. Oxford University Press.
- Littlemore, J. (2009). Applying Cognitive Linguistics to Second Language Learning and Teaching. New York: Palgrave Macmillan.
- Loebner, S. (2002). Understanding Semantics (Understanding Language), first edition, Rutledge.
- New Oxford American Dictionary (2012) (3rd Edition). Reference Type: English Dictionary. Current Version: Oxford Dictionary of English (3rd Edition).
- Pierre Oberling (July 20, 2003). "QASQĀ'I TRIBAL CONFEDERACY i. HISTORY". [Encyclopædia Iranica]
- Qiu, A. and J. Huang (2012). The Effects of Dynamic Image Schema on ESL Students Systematic Improvement of Listening Comprehension: A Dynamic System Theory Perspective. Learning and Development. No. 1: 241-254.
- Shoker Mohammad Abdulmoneim, B. (2006). The Metaphorical Concept Life is a journey in the Quran: a Cognitive- semantic analysis, metaphoric. De, 94- 132.
- Smit, T. (2010). Conceptual metaphors and comprehension in business writing. University of Namibia.